

۳۰۰ نفر قربانیان یک هواپیمای مسافربری قربانیان سلطه طلبی آمریکا و جنگ طلبی خمینی

حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس باز هم فاجعه آفرید

پنداشته شده و به سوی آن دو موشک شلیک شود. گفتند آنچه که ظن کاپیتان کشتی وینسنس را نسبت به مورد تهدید بودن این رزمناو از سوی هواپیمای ظاهر شده بر صفحه رادار تقویت کرده، در جریان بودن یک درگیری بین

پنتاگون، کاخ سفید و وزارت خارجه آمریکا بر ابعاد نفرت انگیز حمله به هواپیمای مسافربری افزودند. در ابتدا گفتند که هواپیمای مسافربری در راهروی هوایی مقرر شده برای پروازهای غیر نظامی حرکت نمی کرده است و وجود

در هفته گذشته خبر سرنگون شدن یک هواپیمای مسافربری ایران بر اثر اصابت یک یاد موشک شلیک شده از طرف رزمناو آمریکایی وینسنس جزو خبرهای همده جهان بود. جهانیان یکبار دیگر شاهد آن بودند که حضور ناوگان جنگی آمریکا در منطقه و تداوم جنگ ایران و عراق زمینه ساز چه فجایع دردناکتری است. آمریکا که اقدام اخیر ناوگان دریایی اش در خلیج فارس نفرت افکار عمومی جهان را برانگیخته است، بلافاصله پس از انتشار خبر، در صدد توجیه این اقدام برآمد تا قاض گویی های مکرر



دوشنبه ۲۰ تیر ۱۳۶۷ برابر ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۱۵

حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران

جنایتی دیگر در تداوم جنگ ارتجاعی

وبعانه ای تازه برای دمیدن بر آتش جنگ

آنچه که زمینه ساز قربانی شدن ۳۰۰ مسافر هواپیمای ایرانی هازم دویی بر فراز تنگه هرمز شد بی گمان تداوم جنگ ایران و عراق است. آمریکا بنا بر اقتضای ماهیت جهان خوارانه خود بر بستر وضعیتی که تداوم این جنگ در منطقه پدید آورده، کشتی های جنگی خود را به خلیج فارس گسیل کرده است و تاکنون فجایع چندی نظیر فاجعه اخیر را پدید آورده است. تداوم حضور نیروهای آمریکا در منطقه باز هم منجر به فجایع دیگری خواهد شد و این موضوعی است که مدام باید بر روی آن تاکید کرد و بر مبنای آن خواهان بسیج افکار عمومی جهانیان برای محکوم کردن حضور ناوگان جنگی ایالات متحده در خلیج فارس و دریای عمان شد.

رژیم خمینی نیز در این جنایت سهمیم است همچنان که در کشتار حلبچه بر اثر بمباران شیمیایی عراق سهمیم است. تا زمانی که جنگ ادامه دارد چنین فجایعی رخ می دهد و مکمل خونریزی در جبهه ها می شود.

بقیه در صفحه ۴

بیانیه هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتریت)

درباره رویدادهای اخیر کشور

در صفحه ۲

یک کشتی جنگی دیگر آمریکا به نام "مونتگمری" با تایق های توپدار جمهوری بقیه در صفحه ۳

علامه حضور یک جنگنده اف - ۱۴ بر صفحه رادار رزمناو و وینسنس باهت شده است ایراس آ - ۳۰۰، اف - ۱۴



رزمناو آمریکایی وینسنس: شلیک به سوی یک هواپیمای مسافربری. ۳۰۰ نفر قربانی این جنایت شدند.

بحثی زنده و گاه تند، در فضایی از احساس مسئولیت

گوشه هایی از سخنرانی های کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی

گیرند. در نتیجه، همه سخنرانی ها، چه آنها که ایراد شد و چه آنها که انجام نشد، به زودی انتشار خواهند یافت.

بقیه در صفحه ۸

قطعه نامه های

نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب کمونیست اتحاد شوروی

در صفحه ۹

نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح.ک.ا.ش)، هر صه بحث بسیار زنده و پر شور نمایندگان بود. این بحث ها، که همه هر صه های سیاست، اقتصاد و فرهنگ را در بر می گرفت، گاه تند و پر خاشک گرانه می شد، اما در مجموع، سخنرانان در فضایی از احساس مسئولیت در قبال سر نوشت نوسازی، به چاره جویی و تبادل نظر برای یافتن بهترین راه دگرگونی انقلابی می پرداختند. آنچه در زیر می آید، تنها گوشه هایی از مباحث مطرح شده در سخنان نمایندگان است. صد ها تن از نمایندگان در کنفرانس خواستار سخنرانی شدند، اما کمبود وقت اجازه نداد تا همه آنها در پشت تریبون قرار

سولتز، وزیر خارجه آمریکا:

تماس های پشت پرده با تهران

در اوج هیاهوی ضد آمریکایی جمهوری اسلامی در هفته گذشته، جرج سولتز وزیر خارجه آمریکا گوشه ای از تماس های پشت پرده با رژیم را بر ملا کرد. سولتز در روز چهارشنبه ۱۵ تیر (۶ ژوئیه) در آستانه سفر خود به کشورهای آسیایی، در طی اظهاراتی پر بازتاب وجود تماس بین واشنگتن و تهران را تأیید کرد و گفت این تماسها از طریق سوئیس و چند کشور دیگر اروپایی و آسیایی برقرار شده است. وی گفت مقامات تهران خواستار رابطه مستقیم با آمریکا بوده اند.

بقیه در صفحه ۴

بیانیه هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره رویدادهای اخیر کشور

بحران زده و وخامت بار نبوده است. وضعیت به گونه‌ای است که مردم، بی‌پروا و آشکارا، اعتراض و ناراضی خود را از رژیم و شخصان ادامه جنگ، بیان می‌کنند، بیم از مردم و پیامدهای ناشی از رشد ناراضی توده‌ای، امروز بیش از پیش سران رژیم را فراگرفته است. سرکوب، بازداشت و اعدام انقلابیون و مخالفان رژیم، در همین رابطه قابل توضیح است. در اعلامیه کمیته مرکزی سازمان ما به مناسبت شهادت رفیق قهرمان انوشیروان لطفی، تاکید شده بود که اعدام رفیق انوشیروان لطفی، مشخصاً یک تصمیم سیاسی است که قبل از همه نگرانی رژیم از آینده خود را بازتاب می‌دهد. دستگیری شماری از سران "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" و "نهضت آزادی" در این شرایط نیز همین نگرانی را بازتاب داده و نشان می‌دهد که سران رژیم حتی از جانب "اپوزیسیون قانونی" خود نیز کمترین ناراضی و انتقاد را تحمل نمی‌کند.

سازمان ما یورش رژیم به این جمعیت را محکوم می‌کند. در همین حال متذکر می‌شود که آنان گرچه دفاع از آزادی را وظیفه خود اعلام می‌کنند، اما تا امروز در برابر سرکوب نیروهای سیاسی مترقی ایران و بازداشت و اعدام مبارزان انقلابی و کمونیست، سکوت کرده و تنها از آزادی خود دفاع کرده‌اند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به همه هم‌میثان و نیروهای آزادی خواه کشور هشدار می‌دهد که رژیم برای نجات از بحران فزاینده‌ای که آن را فراگرفته، آماده است به هر جنایتی دست زند. باید با گسترش اعتراض علیه جنایات رژیم و افشای هر چه وسیعتر مقاصد شوم آن، رژیم را از ارتکاب جنایات دیگر بازداشت.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در این مقطع حساس که ارتجاع حاکم بر کشورمان در ضعیف‌ترین موقعیت خود قرار گرفته است، در این مقطعی که تضادها و کشاکش‌های درون هیات حاکمه، شکست‌های فزاینده بار جنگ و تشدید ناراضی و اعتراض مردم، سران رژیم را این چنین از سر نوشت خود بیمناک و از آینده خویش نگران ساخته است، همه نیروهای مترقی، دمکرات و صلح‌جوی کشور را مخاطب قرار داده و تاکید می‌کند که چنانچه ما قادر نشویم در راه نجات کشور از چنگ رژیم ولایت فقیه و تامین صلح و آزادی، حداقل هماهنگی و اشتراک مساعی را بین خود پدید آوریم، فلاکت و اختناق همچنان ادامه خواهد یافت. امروز اگر راه نجاتی برای کشور ما متصور باشد، راهی است که با اهتمام همه صلح‌دوستان و آزادیخواهان کشور هموار می‌شود.

فدائیان خلق ایران، در پاسخگویی به نیازهای مبرم جنبش و در برابر اوضاعی که در کشور در حال گسترش است، خواستار اتحاد همه نیروها، جمعیت‌ها و شخصیت‌های صلح‌دوست و آزادی‌خواه کشور که خواهان سرنگونی رژیم ولایت فقیه هستند، در یک جبهه وسیع است. در این راه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه نیروهای چپ و دمکراتیک کشور منجمله‌ان، حزب توده ایران، فدائیان خلق پیرو بیانیه ۶۱ آذر، حزب دمکراتیک مردم ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و دیگر نیروهای چپ ایران، از نیروهای حزب دمکرات کردستان، از سازمان مجاهدین خلق ایران، جبهه دمکراتیک ملی ایران و دیگر نیروهای شورای ملی مقاومت، و نیز از جمعیت‌ها و شخصیت‌هایی که هر نوع ولایت و سلطنت را رد می‌کنند و خواهان استقرار بلاشرط صلح و براندازی رژیم ولایت فقیه و تامین آزادی سیاسی هستند، دعوت می‌کند که برای سازماندهی عمل و اعتراض هماهنگ و متحد علیه سرکوبگری‌ها و آزادی‌کشی‌های سران رژیم، علیه سیاست ایران بر بادده ادامه جنگ، و برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نکنند. باشد که نزدیکی و همگامی و اتحاد همه نیروهای دمکراتیک ایران، راه فرار این رژیم منحط از بحران حادی که گریبانگیر آن است را مسدود و تر و لحظه مرگ آن را نزدیک تر سازد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد صلح، زنده باد آزادی

هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۱ خرداد ۱۳۶۷

هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نظر به اهمیت و حساسیت رویدادها و تحولات اخیر کشور، آنها را مورد توجه و بررسی قرار داده، تاکید می‌کند که آنچه در زمینه فعل و انفعالات در حکومت، وضعیت جنگ و تعرضات تازه علیه نیروهای انقلابی و دیگر مخالفان رژیم رخ می‌دهد، رویدادهایی است مرتبط با یکدیگر که وضعیت جدیدی را در اوضاع سیاسی کشور بازتاب می‌دهد.

مهم‌ترین رویداد دوره اخیر، قرار گرفتن رفسنجانی در راس نیروهای مسلح رژیم تحت عنوان جانشین فرمانده کل قوا بوده است. این تحول نتیجه روندی بوده است که طی سال‌های اخیر، منازعات درون حکومت به همراه داشته است، طی این روند، با حمایت خمینی از رفسنجانی و دولت، جناح رسالت در حفظ مواضع خود در ارگان‌های رژیم شکست خورد و این شکست با نتایج انتخابات مجلس سوم و برگماری رفسنجانی به کفالت فرماندهی کل قوا تثبیت شد. طی این روند، منتظری به عنوان شخص اول رژیم پس از خمینی، موقعیت خود را از دست داد و رفسنجانی به قدرت مندترین رجل حکومتی پس از خمینی، تبدیل شد. اینک او نقشی را برعهده می‌گیرد که "مصلحت" نظام جمهوری اسلامی می‌طلبد. انتصاب اخیر، گامی است مهم در صعود رفسنجانی به موقعیتی که بر پایه آن بتواند مساله جانشینی خمینی را به سود خود حل کند. موقعیت رفسنجانی در رابطه با جناح‌ها و دسته‌بندی‌های حکومتی و نظر آنها نسبت به وی، این امکان را تقویت می‌کند. انتصاب رفسنجانی به این مقام با توجه به این امر نیز بوده است که زمینه برای مانورهای تازه، زدو بندهای پنهانی و تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت جنگ و انبوه معضلات رژیم را مساعدتر سازد.

تحول با اهمیت دیگری که طی دوره‌های اخیر تکوین یافت، شکل‌گیری و تقویت جریانی از میان نیروهای مخالف جناح رسالت در حکومت در جریان انتخابات مجلس بود. این جریان با حمایت موثر "بیت امام" در "روحانیت مبارز تهران" انشعابی را سازمان داد و "روحانیون مبارز تهران" را تاسیس نمود. این نیرو که با چهره‌هایی چون محتشمی و خوئی‌ها مشخص شده است، همچنان می‌کوشد با کمک شعارهای "دفاع از مستضعفین و محرومین" و یا تعرض و تبلیغات علیه امریکا، چهره سرکوبگر، آزادی‌کش و جنگ طلب خود را پنهان سازد.

طی ماه‌های اخیر اوضاع جنگ به زیان رژیم تغییر کرده است. نیروی نظامی رژیم، نه تنها در دریا و هوا، بلکه در زمین نیز بیش از پیش تضعیف شده است. شکست‌های بسیار سنگین در فاو و شلمچه و انهدام بخش مهمی از نیروهای دریایی و نفتکش‌های ایران در خلیج فارس، ضربات روحی-روانی و اقتصادی سنگین ناشی از جنگ شهرها، افزایش شدید ناراضی و فقدان روحیه و انگیزه در صفوف ارتش و حتی سپاه و بسیج، استراتژی جنگی رژیم را با شکست‌های فلاکت‌بار روبرو ساخته و امکانات رژیم را برای جنگ بیش از هر زمان دیگر محدود کرده است. اما این امر مانع از آن نیست که در چشم‌انداز نزدیک، رژیم به یک بسیج نیرو و تعاجم به منظور "انتقام" گیری از عراق و "احیاء" روحیه رزمی نیروهای خود، دست بزند. تاکید خمینی مبنی بر این که دادگاه‌های نظامی باید قاطعانه عمل کنند، مشخصاً ناظر بر همین مساله بوده و بیانگر حساسیت و هراس رژیم در مقابل هر نوع انتقاد، اعتراض و تمرد نظامیان در یک چنین وضعیتی است.

سپردن اختیار نیروهای مسلح به رفسنجانی، نوهی نگرانی رژیم نسبت به سرنوشت جنگ را بازتاب می‌دهد. احساس ضعف و احساس خطر در پس این تصمیم نهفته است. رژیم با این اقدام می‌خواهد تمام امکانات کشور را برای تصمیم‌گیری پیرامون سرنوشت جنگ بسیج کند.

هیات سیاسی سازمان بار دیگر تاکید می‌کند که ادامه جنگ بزرگ‌ترین زیان‌ها را متوجه کشور ما و نیز کشور عراق می‌کند و هر روز و هر لحظه‌ای که اعلام آتش‌بس به بهانه تعیین متجاوز، پرداخت فرامت و یا هر بهانه دیگری به تعویق افتد، ضربات و زیان‌های سنگین‌تری متوجه منافع ملی کشور ما می‌شود. تمام بار مسئولیت این خیانت بزرگ برعهده سران خائن و جنایتکار جمهوری اسلامی است.

در ماه‌های اخیر، به خصوص پس از بهارن‌ها، وضع زندگی مردم به مراتب، فلاکت‌بارتر شده است. وضع اقتصادی کشور هیچ‌گاه تا این حد

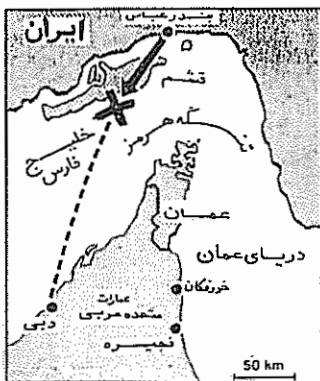
حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس باز هم فاجعه آفرید

بقيه از صفحه اول

اسلامی- که دو فروند آنها فرق شدند - در نزدیکی محل استقرار "وینسنس" بوده است. مقامات آمریکایی بالاخره پافشاری بر روی نبودن هواپیمای مسافری بر روی خط پرواز بین المللی رایبوهوده یافتند و توجیه دیگری برای اقدام رزمناو "وینسنس" تراشیدند. در روز چهارشنبه گذشته لس آسپین رئیس کمیته نیروهای مسلح در مجلس نمایندگان آمریکا اعلام کرد که هواپیمای مسافری در داخل راهروی هوایی مقرر شده بین المللی در حال پرواز بوده و تنها ۴ مایل از خطایده آل انحراف داشته است. خلبان هواپیما در صدد تصحیح مسیر پرواز خود بر می آید. فرمانده رزمناو "وینسنس" تغییر زاویه پرواز هواپیمای ظاهر شده بر روی رادار را به مثابه یک تهدید نظامی ارزیابی می کند و فرمان شلیک موشک به سوی آن را می دهد. دو موشک شلیک می شود که گمان می رود دست کم یکی از آنها به هواپیما اصابت می کند.

آری، فاجعه رابا خونسردی تمام اینگونه توضیح می دهند. فرمان نظامی است. احساس تهدید که کردی شلیک کن! به لحاظ نظامی خطایی صورت نگرفته است. فرمان پنتاگون دقیقاً اجرا شده است و این روست که باید گفت پنتاگون دقیقاً قاتل ۲۹۸ انسان بی گناهی است که در این فاجعه جان باختند. ۶۱ نفر از سرنشینان کودک و شیر خواره بودند. هواپیما از بندرعباس هازم دویی بود. ساعت ۴:۵۶ دقیقه

صبح روز یکشنبه ۱۲ تیر از فرودگاه بندرعباس به پرواز درآمد. حدود ۹ دقیقه بعد تکه تکه شد. آمریکا قدر قدرتی خود را به نمایش نهاد و گوشه های دیگر از برکات حضور رزمناو و جنگی خود را در منطقه که وظیفه آن را استقرار



مسیر پرواز هواپیمای مسافری و محل اصابت موشک به آن

امنیت و آرامش (!) اعلام کرده اند، به جهانیان نشان داد. جمهوری اسلامی بر قربانیان حادثه اشک تمساح ریخت. باز هم سران رژیم دم از مبارزه با "استکبار جهانی" زدند، تا بتوانند با تحریک احساسات مردم، برای فرستادن به جبهه نیرو بسیج کنند، بر آتش جنگ دامن زنند، به بهانه های استقرار حضور وسیع نظامی آمریکا در منطقه استمرار بخشند و فجایع مشترک دیگری رایبافرینند. مسئولیت قتل مسافری هواپیمای سرنگون شده بر عهده رهبران رژیم نیز هست. آنان نیز در جنایت سعیمند.



فرودگاه دویی، روز یکشنبه ۱۲ تیر: برای استقبال از هزیزان خود آمده بودند. خبر شدند که برای هواپیما حادثه ای پیش آمده است. هنوز ابعاد فاجعه را نمی دانند.

شمه ای از کارنامه حضور تشنج آفرین ناوگان جنگی آمریکا در خلیج فارس

دولت آمریکا ناوگان جنگی خود را به بهانه حفظ امنیت کشتیرانی به خلیج فارس فرستاده است. تداوم جنگ ایران و عراق و حملات دو طرف به کشتی های غیر نظامی در خلیج فارس این بهانه را به آمریکا و متحدین آن در ناتو داد که تعداد کثیری کشتی جنگی به منطقه گسیل دارند و در اینجا یک فرماندهی جنگی تشکیل دهند. برنامه فرستادن ناوگان جنگی به خلیج فارس پیش از جنگ ایران و عراق تهیه شده بود. در سال ۱۹۷۹ پس از انقلاب ثور در افغانستان و سقوط شاه در ایران، کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا این برنامه را که به دکترین کارتر شهرت دارد ارائه داد. در آن هنگام مسئله حمله به کشتی های تجاری مطرح نبود. اجرای دکترین کارتر نیاز به بهانه های کافی داشت. جنگ ایران و عراق و اصرار رژیم خمینی بر تداوم جنگ این بهانه ها را در اختیار دولت آمریکا قرار داد.

کشتی های جنگی آمریکا در منطقه هیچ وظیفه ای جز افزایش درگیری و تشنج بر عهده ندارند. اصولاً آمریکا با تشنج فزایی است که می تواند حضور وسیع نظامی خود را در این منطقه توجیه کند. تازمانی که ناوگان جنگی آمریکا در آبهای خلیج فارس و دریای عمان در حال گشت زنی است و تازمانی که جنگ ایران و عراق ادامه دارد، فجایعی نظیر حمله موشکی به هواپیمای مسافری هازم دویی تکرار خواهد شد. در زیر شمه ای از کارنامه سیاه حضور تشنج آفرین ناوگان جنگی آمریکا در خلیج فارس را از نظر می گذرانیم:

* ۲۹: مه ۱۹۸۷: پنتاگون اعلام کرد که به دلیل در خطر بودن کشتی رانی تجاری در خلیج فارس تصمیم گرفته است حضور نظامی آمریکا در منطقه را تقویت کند.

* ۱۷: ژوئیه ۱۹۸۷: رابرت سیمس سخنگوی وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که به فرماندهان کشتی های جنگی آمریکا در منطقه دستور داده شده است در صورت احساس تهدید فرمان آتش دهند.

* ۲۰: ژوئیه ۱۹۸۷: شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۵۹۸ را به تصویب رساند. در این قطعنامه از همه کشورها خواسته شده است از هر اقدامی که به تشنج در منطقه دامن زند خودداری ورزند.

* ۸: اوت ۱۹۸۷: کارلوچی که در آن هنگام مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا بود، اعلام کرد دخالت نظامی آمریکا در منطقه "ماوریتی است که برای آن نمی تواند پایانی متصور بود."

* ۱۱: اوت ۱۹۸۷: مجله آمریکایی "نیوزویک" گزارش داد تجمع تعداد کثیری کشتی جنگی آمریکا - ۴۰ کشتی با ۲۵۰۰۰ پرسنل دریکی منطقه، از زمان جنگ ویتنام به بعد سابقه نداشته است.

* ۲۱: سپتامبر ۱۹۸۷: هلی کوپترهای آمریکا یک کشتی کوچک ایرانی حامل مواد مصرفی را به موشک بستند.

* ۸: اکتبر ۱۹۸۷: هلی کوپتر آمریکا به سه قایق تندروی ایران حمله کرده و آنها را فرقت کردند.

* ۱۹: اکتبر ۱۹۸۷: ناوچه های جنگی آمریکا دو سکوی نفتی ایران را به آتش کشیدند و بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار خسارت به بار آوردند.

* ۲: نوامبر ۱۹۸۷: کشتی جنگی آمریکایی "کار" آنگونه که پنتاگون گزارش کرد "اشتباه" سه قایق ماهی گیری را مورد حمله قرار داد. بر اثر شلیک این کشتی جنگی، یک ماهی گیر هندی کشته شد.

* ۱۸: آوریل ۱۹۸۸: بنا به دستور مستقیم ریگان، واحدهای نیروی دریایی آمریکا به سه سکوی نفتی ایران حمله بردند، تعداد زیادی نفتگر را کشتند و سکوها را منهدم کردند. متعاقب این حمله به عکشتی ایران نیز حمله شد که همه آنها فرقت شدند.

* ۲۴: آوریل ۱۹۸۸: پنتاگون به فرماندهان کشتی های آمریکا اجازه داد که در صورت بروز پیشامدی خود به تشخیص خویش و بدون کسب دستور از واشینگتن فرمان آتش دهند.

* ۳: ژوئیه ۱۹۸۸: دستور پنتاگون اجرا شد. کشتی جنگی وینسنس دوراکت به سوی یک هواپیمای مسافری دارای ۳۰۰ سرنشین شلیک کرد و آن را در هوا منفجر ساخت.

حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران

جنایتی دیگر در تداوم جنگ ارتجاعی

و بهانه‌های تازه برای دمیدن بر آتش جنگ

بقیه از صفحه اول

رژیم خمینی به انفجار هواپیمای مسافربری بر اثر اصابت موشک‌های شلیک شده از رزمناو آمریکای وینسنس به مثابه یک "امداد فیزی" نگریست، یک بهانه تبلیغی بدست آورد تا آتش تماشای بریزد، در بوق و کرنا بدمد تا چند صباحی هم که شده تلاکت و درماندگی خود را، که در ماههای اخیر جلوه‌های بس پررنگی از جمله به صورت چندین شکست نظامی پیاپی داشت، از دیده‌ها مخفی کند. پس از جنایت شلیک موشک به سمت هواپیمای مسافربری ایران از سوی رزمناو آمریکا، سران رژیم موجهی از بیانه‌ها و خطابه‌های "ضد استکباری" به راه انداختند با هدف همیشگی که همانا بسیج جنگی است. منتظری نامه‌ای به خمینی نوشت و خواهان آن شد که "یک برنامه دقیق برای مبارزه با آمریکا به لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی" تهیه شود و "تازمان تهیه برنامه کامل هسته‌های مقاومت در داخل و خارج کشور، منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا را هدف حمله قرار دهند." خمینی به این نامه پاسخ داد و از ولیعهد خود خواست گوشش به فرمان رفسنجانی باشد. او در این نامه "برنامه دقیق" خود برای مبارزه با استکبار جهانی را ارائه داد: "جنگ را ادامه دهید! وی تاکید کرد "باید تحول هژمونی در جنگ ایجاد کنیم و به سوی جبهه‌ها روآوریم. باید نگذاریم که تلاشمان در جبهه‌ها از بین برود." رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران بر روی این فرمان تاکید کرد و دستور داد همه کسانی که

می‌توانند تفنگ به دست بگیرند خود رابه سربازخانه‌ها معرفی کنند. وی مشخص ساخت که رژیم در "مبارزه ضد استکباری" خود دست به ماجراجویی نخواهد زد حساب کار خود را کرده است. وی فرصت را مغفتم دید تا بر روی بسیج تمام هیار جنگی تاکید کند و در ماههای مبارزه ضد استکباری رژیم هیزم بیشتری برای سوزاندن در حریق جنگ، گرد آورد.

آیا تاثیرات جنایت آمریکا در حمله به هواپیمای مسافربری روند پدید آمده در ماههای اخیر را تغییر خواهد داد؟ بی‌گمان نه. این جنایت به دلیل دادن یک مستمسک تبلیغاتی هوامغریانه بدست رژیم تاثیرات منفی معینی به بار آورده دراز مدت نیستند. حتی تبلیغات فعلی، هفته‌ها و ماههای بعد نتایج هکسی به بار خواهند آورد. شعارها

و وعده‌های پرطمطراق فعلی در کنار همه جار و جنجالهای پیشین قرار خواهند گرفت و فردا در درون "رزمندگان اسلام" هم به یاس و درماندگی بیشتری دامن خواهند زد.

آنچه که باید بر این تاکید ورزید و در میان مردم بر روی آن تبلیغ کرد همپیوندی فجایعی نظیر فاجعه حمله موشکی آمریکا به هواپیمای مسافربری با جنگ و همپیوندی جنگ با رژیم است. تازمانی که جمهوری اسلامی پابر جاست هر روز و هر هفته چنین جنایاتی رخ می‌دهد: دیروز در جبهه‌ها و جنگ شهرها، امروز بر فراز دریا، فردا باز در جبهه‌ها و بدین شکل یا بدان شکل. این مبارزه خلق برای سرنگونی جمهوری اسلامی است که می‌تواند بر همه این فجایع نقطه پایان بگذارد.



صحنه دلخراش از آب گرفتن اجساد قربانیان حمله موشکی آمریکا

به هواپیمای مسافربری

تماس‌های پشت پرده

بقیه از صفحه اول

شولتز بهبود روابط جمهوری اسلامی با فرانسه و انگلستان را مهم دانست و آن را یک "تحول مثبت" ارزیابی کرد. شولتز گفت بعد از شلیک موشک به سمت هواپیمای مسافربری ایران، رونالد ریگان از طریق سفارت سوئیس در تهران برای مقامات جمهوری اسلامی پیامی فرستاده که در آن شلیک موشک یک حادثه و نه یک اقدام عمدی توصیف شده و از پیش آمدن آن ابراز تاسف شده است.

پس از انتشار اظهارات شولتز سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی رابطه گیری رژیم با آمریکا را تکذیب کرد. تکذیب نامه کوتاه بود و رژیم اصراری بر تاکید روی آن نداشت. ظاهر رژیم در همان حالی که در بوق و کرنا دمیده بود و مدام شعار مبارزه ضد استکباری می‌داد، از اظهارات شولتز دستپاچه نشد، آنرا با خونسردی باصطلاح تکذیب کرد و برای تکذیب آن جار و جنجال به راه نینداخت. همین امر خود پرمعنی بود و در مطبوعات غرب مثبت و یکی دیگر از جلوه‌های خردمندی رفسنجانی خوانده شد.

شولتز در حالی که سران رژیم دم از مبارزه با آمریکا می‌زدند، آگاهانه از مناسبات تهران و واشنگتن پرده برداشت. شولتز در واقع از این طریق دست به نوهی مذاکره با جمهوری اسلامی زد. برای این حرکت شولتز دو هدف می‌توان متصور بود: هدف لحظه‌ای که همانا برحذر داشتن رژیم از حرکت‌های ترروستی تلافی جویانه بود و هدف اساسی که همانا دعوت به تداوم مناسبات برقرار شده است و این که حوادثی نظیر قربانی شدن جان ۳۰۰ مسافر هواپیمای سرنگون شده به توسط آمریکا نباید خللی در امور پدید آورد.

آلمان فدرال: تظاهرات ایرانیان علیه تجاوزگری آمریکا

پایان گیرد.
- کشتی‌ها (ناوهای) آمریکا باید خلیج فارس را ترک کنند.
- هیچ دخالتی نباید در امور دیگر کشورها انجام گیرد.
- با اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، جنگ ایران و عراق باید پایان یابد.

گرفت. در طول تظاهرات و روز قبل از آن اهلامیه‌ای تحت عنوان "ایالات متحده آمریکا نقش پلیس جهانی را ایفا می‌کند" از سوی تظاهرکنندگان پخش گردید. در بخش پایانی این اهلامیه بر خواست‌های زیر تاکید شده است:
- صدور سلاح به ایران و عراق باید

جنگ ایران و عراق و حضور نظامی آمریکا در خلیج در دست داشتند، در ساعت ۵/۴۰ بعد از ظهر راهپیمایی خود را از محوطه مقابل ساختمان شهرداری شروع و حوالی ساعت ۶/۵ پایان دادند. این تظاهرات مورد حمایت گروهی از آلمانیهای مترقی قرار

در تاریخ ۶ ژوئیه بخشی از مرکز شهر پادربورن آلمان فدرال صحنه تظاهرات جمعی از ایرانیان علیه حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران بود. تظاهرکنندگان در حالیکه پلاکاردهای مبنی بر محکوم کردن

اعلام انصراف اعضای کمیسیون سیاست خارجی مجلس

سه تن از نمایندگان سرشناس مجلس جمهوری اسلامی با اعتراض به انتخاب صادق خلخالی به عنوان رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس، از عضویت در این کمیسیون اعلام انصراف کردند.

ابراهیم اصفرزاده سخنگوی دانشجویان حزب اللهی به هنگام اشغال سفارت آمریکا در تهران، محمود دهایی سرپرست روزنامه اطلاعات و سعید رجایی خراسانی کاندیدای رسالتی‌ها در سومین دوره انتخابات مجلس و نماینده سابق جمهوری اسلامی در سازمان ملل، در نامه اعتراضی خود به هیات رئیسه مجلس، صادق خلخالی را فاقد "صلاحیت" و ناشایست برای سمت ریاست کمیسیون دانسته و خواستار انتقال به کمیسیون‌های دیگر شده‌اند.

در بخشی از نامه ارسالی به هیات رئیسه مجلس آمده است:

"اینجانبان سید محمود دهایی، محمد ابراهیم اصفرزاده و سعید رجایی خراسانی از عضویت در کمیسیون سیاست خارجه منصرف گشته و جهت عضویت در کمیسیونی دیگر اعلام آمادگی می‌نمائیم. شایان توجه است پیش‌بینی اینجانبان در امکان تفاهم و انتخاب اصح در ابتدای شکل‌گیری اعضای کمیسیون محقق نشد."

توزیع مواد مخدر در پارک لاله

در تهران و شهرستانها، نه تنها در خیابانها و معابر عمومی بلکه در پارک‌ها که ظاهراً برای گذراندن مفید اوقات فراغت ایجاد شده‌است، خرید و فروش مواد مخدر به صورت علنی صورت می‌گیرد.

در پارک لاله تهران، یکی از شعروندان که خود شاهد توزیع علنی هروئین و بر خورد مامورین با عاملین آن بوده‌است، در نامه‌ای به روزنامه کیهان ۱۷ اردیبهشت نوشته است: "روز پنجشنبه بچه کوچکم را به پارک لاله بردم تا بازی کنند. متأسفانه در پارک با منظره‌ای روبرو شدم که بواقع بدنام بلرزه افتاد... حقیر طی مدت توقف در پارک لاله شاهد خرید و فروش علنی مواد مخدر بودم. راستش خود من باورم نمی‌شد که امکان دارد هروئین و تریاک به شکلی کاملاً علنی خرید و فروش شود. فقط کم مانده بود که حضرات تابلو بزنند و روی تابلو نوع جنس و نرخ‌ها را اعلام کنند، گنجم بدتم به لرزه در آمد و باور کنید که افتراق نیست. اگر شما هم تصور کنید که در مقابل چشمان همه - از جمله شما - مواد مخدر به راحتی خرید و فروش می‌شود، همین احساس به شما دست خواهد داد. به هر حال به نزدیکترین کمیته مراجعه کردم اما با موضوع بسیار سطحی و خون‌سردانه برخورد شد و بعد هم که خواستار اقدامی شدم گفتند نیرو نداریم و..."

پرواز هواپیماهای عراقی بر فراز شهرهای ایران

طی نبرد سختی از ایران پس گرفته‌است. پیش از این حمله، منطقه پنجوبین هدف هجوم عراقی‌ها قرار گرفته بود. رادیو دولتی ایران روز دوشنبه ضمن تأیید حمله عراق به پنجوبین، اعلام داشت که نبرد سنگینی که از روز یکشنبه در ارتفاعات سردشت آغاز شده‌است، ادامه دارد.

کانون دیگر درگیری ایران و عراق، آبهای خلیج فارس بود. در این منطقه تشنجی که با سرنگونی هواپیمای مسافربری و قتل ۳۵۰ سرنشین آن آفریده شده بود، با حمله به کشتی‌های تجارتي از سوی ایران و عراق پی گرفته شد.

روزهای دوشنبه و سه‌شنبه قایق‌های تندرو پاسداران به یک کشتی تجارتي کره جنوبی و یک کشتی رومانی، حمله کردند. هر دو حمله در فاصله نزدیک به محل سرنگونی هواپیما و در حوالی تنگه هرمز صورت گرفت. کشتی رومانی حامل الوار به کویت بود. روزهای پنجشنبه و جمعه بر آمار کشتی‌هایی که طول هفته در خلیج فارس هدف قرار گرفتند، افزوده شد. به گزارش خبرگزاری رویتر به فاصله دوروز آخر هفته، ۳ تانکر نفتی توسط نیروهای عراقی به آتش کشیده شد. کشتی ۲۶۰ هزار تنی "تلاتنیک اوشن" و کشتی "استاری" قبرسی به هنگام حمله عراقی‌ها، حامل نفت ایران از جزیره خارک به پایان نفتی لاوان بودند.

از روز یکشنبه ۱۲ تیر ماه زمان سرنگونی هواپیمای مسافربری "ایران ایر" توسط رژیم آمریکایی در خلیج فارس، جنگ نسبت به هفته پیش از آن شدت گرفت. طی هفته‌ای که گذشت هواپیماهای عراقی چندین نوبت بر فراز شهرهای ایران ظاهر شدند. روزهای دوشنبه، چهارشنبه و پنج‌شنبه جنگنده‌های عراقی نقاطی در بوشهر، آبادان، خرمشهر، سردشت و دوحاد از تاسیسات نفتی ایران در جنوب غربی کشور را بمباران کردند. در بمباران روز چهارشنبه تلمبه‌خانه و میدان نفتی امام حسن و فراطعمه حریق شدند و در سردشت یک تن کشته و ۱۱ تن مجروح گردیدند. همچنین هواپیماهای عراقی با نفوذ به آسمان شهرهای ایلام، اصفهان، بانه و سقز دیوار صوتی را شکستند و بار دیگر مردم بی‌دفاع کشور را در وحشت از سرگیری جنگ شهرها مضطرب ساختند.

تبادل آتش توپخانه‌ای در جبهه‌های زمینی در تمام روزهای هفته ادامه داشت. به گزارش منابع خبری ایران، مناطق عملیاتی نیروهای عراقی در زبیداد، شهرهای سومار، زربانیه، مین خوش، شرق بصره و حاج همران هدف آتش سنگین توپخانه بودند. در پاسخ به حملات ایران در جبهه زمینی، عراقی‌ها در جبهه میانی و شمالی به یورش تازه‌ای دست زدند. روز پنجشنبه ۱۷ تیر ماه ستاد فرماندهی ارتش عراق اعلام کرد که دو ارتفاع سوق الجیشی را در منطقه ماووت

دیدار هاشمی رفسنجانی و حسینعلی منتظری در قم

فرمانده سپاه پاسداران، علی شهبازی رئیس ستاد ارتش در آن عضویت دارند هفته پیش شکل گرفته‌است و هنوز ترکیب کامل اعضای آن معرفی نشده‌اند.

روز دوشنبه خمینی در پاسخ به نامه منتظری، از وی خواست که وقت خود را برای پشتیبانی از رفسنجانی صرف کند. هاشمی رفسنجانی نیز پیش از ملاقات با منتظری در خطبه‌های نماز جمعه با اشاره به نامه‌های متقابل خمینی و منتظری، وجود هرگونه "دودستگی" و "اختلاف" در حکومت را تکذیب کرد و آن را شایعه مطبوعات خارجی خواند.

به گزارش رادیو دولتی ایران هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و جانشین فرمانده کل قوا روز شنبه ۱۹ تیر ماه در قم با حسینعلی منتظری ولیعهد خمینی دیدار کرد. در این دیدار مسایل جنگ و پیام اخیر خمینی که در آن "تفلسف در امور جنگ را خیانت به اسلام" خوانده است مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

راههای اجرای فرمان خمینی در مورد حذف سازمانهای تکراری و اقدام ارتش و سپاه و تقویت ستاد فرماندهی کل قوا از مسایل دیگری بودند که رفسنجانی و منتظری در قم پیرامون آن به بحث و بررسی پرداختند. ستاد فرماندهی کل قوا که رفیق دوست وزیر دفاع، رضایی

آمار شرکتهای تعاونی روستایی کشور

اتحادیه شرکت‌های تعاونی متشکل هستند، وظیفه آنها هماهنگی فعالیت‌های انواع شرکتهای تعاونی روستایی، انجام خدمات عمومی و فعالیت مربوط به تولید، طبقه‌بندی فروش محصولات زراعی می‌باشد. معمولاً در هر شهرستان یک اتحادیه تعاونی وجود دارد.

لازم به یادآوری است که طبق سرشماری عمومی در سال ۱۳۶۵، ۴۶ درصد جمعیت کشور را خانوارهای روستایی و عشایری تشکیل می‌دادند.

از سوی سازمان مرکزی تعاونی روستایی، آمار وضعیت شرکت‌ها، اتحادیه‌های تعاونی روستایی و خانواده‌های دهقانی تحت پوشش آن اعلام شد. بنا به گزارش آماری این سازمان، ۳۱۱۸ / ۴۰۹۶ / ۷۲۵ نفر کشاورز را که هر فرد نماینده یک خانوار روستایی می‌باشد به عنوان عضو، مجموعاً ۵۷ / ۵۸۲ روستا تحت پوشش تعاونی قرار داده‌است.

۳۱۱۸ شرکت تعاونی روستایی در ۱۱۸

حیدر کوتلو در دادگاه: من یک کمونیست هستم!

بقیه از صفحه آخر

احساس کردیم که به ارتش دشمن برخوردیم. در همان فرودگاه ما را با چشمان بسته ربودند و سپس ما را شکنجه کردند.

حیدر کوتلو به صدای بلند اعلام کرد: «من یک کمونیست هستم!» وی افزود هاداد کردن به این جمله، در ترکیه هم ضرورت یافته است. به گفته کوتلو، زمان تغییز کرده است، و این امر در نامی که مردم به محاکمه داده‌اند نیز منعکس است: «محاکمه دمکراسی».

حیدر کوتلو در دفاعیه ۱۸۰ صفحه‌ای خود که بدان «کیفر خواست متقابل» نام داده است، قصد دارد به دادستان پاسخ دهد. پس از قرائت ۴۶ صفحه از این دفاعیه، رئیس دادگاه سخن کوتلو را در وسط جمله‌اش قطع و ادامه محاکمه را به ۲۰ ژوئیه موکول کرد. هدف از این به تعویق افکندن‌های مکرر، کاهش توجه افکار عمومی به محاکمه است.

اما تلاش برای به فراموشی سپردن محاکمه آنکارا موفق نیست. برای روز سوم محاکمه نیز ناظران خارجی از یونان، فرانسه، بریتانیا، دانمارک و آلمان فدرال به آنکارا رفتند. شمار وکلای مدافع ترک متهمان، به ۶۵۰ تن رسیده است.

زندگینامه کوتاه کوتلو و سارگین

به میهن خود بازگشت. نیجات سارگین در سال ۱۹۲۶ در استانبول زاده شد. وی پزشک است. او در دهه ۱۹۴۰ شرکت فعالی در جنبش دمکراتیک داشت. در سال ۱۹۵۰ او را به خاطر شرکت در مبارزه علیه حضور ارتش ترکیه در کناره آمریکا در تجاوز به کره بازداشت کردند. سارگین در ۱۹۶۲ به حزب کارگر ترکیه پیوست و در سال ۱۹۶۶ به دبیر کلی حزب انتخاب شد. او را در سال ۱۹۷۱ همراه با ممنوع شدن حزب کارگر بازداشت کردند. وقتی در سال ۱۹۷۵ حزب دوباره تشکیل شد، سارگین بار دیگر به تشکیل آن انتخاب گردید. بدنبال کودتای نظامی سپتامبر ۱۹۸۰ و ممنوعیت فعالیت سیاسی، سارگین ناچار به مهاجرت به اروپای غربی شد. او در سال ۱۹۸۷ به میهنش بازگشت.

حیدر کوتلو در دفاعیات خود رژیم آنکارا را به شدت مورد حمله قرار داد. وی گفت کیفر خواست علیه دو متهم، با موازین امروزی، جعلی و حاکی از عدم شناخت مارکسیسم - لنینیسم است. کوتلو افزود کیفر خواست دادستان در همان روز نخست محاکمه مانند یک کاغذ کاغذی فروریخت. به گفته کوتلو، کیفر خواست قوانین را به کنار گذاشته و می‌کوشد با «استدلال» های سیاسی - ایدئولوژیک، موجودیت

اجتماعی کمونیستها را جرم قلمداد کند. کوتلو گفت این تلاش دادستان، به کلی با مسائل مردم بیگانه و هاری از هر گونه آگاهی در دادستان می‌کوشد افکار عمومی را قانع کند که نه در ترکیه و نه در جهان هیچ حزب کمونیستی نباید وجود داشته باشد. این در حالی است که نه تنها در جهان، بلکه در خود ترکیه کمونیستها از مدتها پیش وجود داشته‌اند. حیدر کوتلو به صدای بلند گفت: «ترکیه به دمکراسی نیاز دارد، و دمکراسی نیازمند حزب کمونیست و نیروی چپ است».

کوتلو در توضیح پیرامون نحوه بازگشت خود و سارگین به میهن گفت: «ما می‌خواستیم به میهن خود بازگردیم. اما

حیدر کوتلو، که نام واقعی آن نبی‌یاغی است، در سال ۱۹۴۴ در شهرستان توکات متولد شد. او در دانشگاه استانبول در رشته حقوق به تحصیل پرداخت و در همین حال فعالانه در جنبش ضد امپریالیستی دانشجویی شرکت جست. کوتلو در زمان دانشجویی خود به حزب کارگر ترکیه پیوست و به خاطر فعالیت خود بازداشت شد. زندان و زندگی مخفی باعث شد کوتلو نتواند به تحصیل خود ادامه دهد. وی در سال ۱۹۷۴ به حزب کمونیست ترکیه پیوست و چند سال مسئولیت کار کمیته حزبی مخفی شهر استانبول را برعهده داشت. او در سال ۱۹۸۱ به معاونت دبیر کل و در سال ۱۹۸۳ به عنوان دبیر کل حزب کمونیست ترکیه انتخاب شد. کوتلو در ۱۹۸۱ ناچار به مهاجرت شد و در سال ۱۹۸۷

هراق رسماً به استفاده از سلاح‌های شیمیایی اعتراف کرد

تدارک دورژیم برای جنگ گسترده شیمیایی

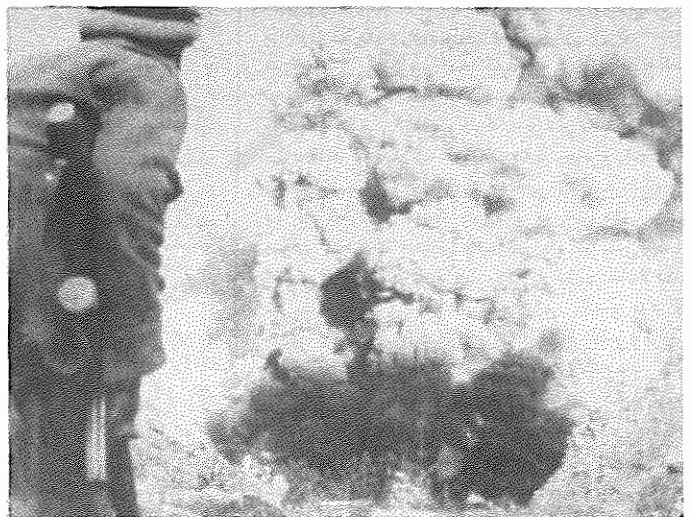
کاربست سلاح‌های شیمیایی در جنگ می‌دانند.

جمهوری اسلامی نیز در ماه‌های اخیر بکرات از «برخورد متقابل» و حق استفاده متقابل از سلاح‌های شیمیایی سخن رانده است. تنها همین چندی پیش بود که هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با روزنامه ایتالیایی «لااستامپا» که گزارش آن در کیهان دولتی ۴ اردیبهشت نیز بازتاب یافت، عنوان کرده بود «ایران قادر است ظرف مدت کوتاهی تمام نیروهای خود را به سلاح شیمیایی مسلح کند».

اعتراف رسمی به کاربرد سلاح‌های شیمیایی، بشدت بر نگرانی مردم هر دو کشور افزوده است. جنگ کثیف از یک منطبق کثیف تبعیت می‌کند تاکنون هزاران هزار جان باخته‌اند و قربانی همین منطق چپ‌انگیزانه شده‌اند. پرنده مرگ بر سر بی‌شماری در پرواز است. اینک رژیم جمهوری اسلامی فراخوان داده است، بی‌شماری را به جبهه‌ها خواهند کشید، و باز هم تراژدی مرگ‌های بیشتر. این بار هر دو رژیم ابایی ندارند از این که از کاربرد سلاح‌های شیمیایی نیز دم زنند و به این بهانه که دیگری آغازگر جنگ شیمیایی بوده است به استفاده وسیع از این سلاحها رو آورند.

هفته گذشته هراق رسماً اعلام کرد که در جنگ با ایران از سلاح‌های شیمیایی استفاده می‌کند. طارق هزیز وزیر امور خارجه هراق در جریان سفر خود به آلمان فدرال، هفته گذشته در جمع خبرنگاران کشورهای مختلف صریحاً اعتراف کرد که هراق در این جنگ از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است. بنابه گزارش رویترز بن، وزیر امور خارجه هراق در مصاحبه مطبوعاتی پیش‌گفته اعلام کرده است که «من مرد صادقی هستم، از چنین سلاح‌هایی (سلاح‌های شیمیایی) در جنگ با ایران استفاده شده است، ولی ایران آغازگر آن بوده است».

وزیر امور خارجه هراق در این مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرده است که رعایت مفاد قرارداد بین المللی سال ۱۹۲۵ مبنی بر منع کاربرد سلاح‌های شیمیایی، به دو طرف درگیر در جنگ برمی‌گردد. وی گفت که جمهوری اسلامی از همان آغاز جنگ مبادرت به استفاده از سلاح‌های شیمیایی کرده است. طارق هزیز استفاده از سلاح‌های شیمیایی را «حق متقابل» هراق نامید و امکان استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در آینده منتفی ندانست. ناظرین بین المللی اعتراف رسمی هراق مبنی بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی را نشانه و علامت و سمت‌گیری



دودمرگ آور-هر دورژیم در صدد استفاده وسیع از سلاح‌های شیمیایی

جهانیان اعدام رفیق انوشیروان لطفی را محکوم می‌کنند

اعتراض جهانی به اختناق، شکنجه و اعدام در ایران

ایتالیا

شهر دار گوتینگن به اعدام رفیق لطفی اعتراض کرد

مانمی توانیم در مقابل این همه جنایت آرام بمانیم

برفاصله جغرافیایی و عدم شناخت قلبه کنیم... دیگر تقریباً همه می‌دانیم که دهها هزار تن از مخالفان را در ایران زندانی کرده‌اند. رژیم تحمل مخالفت ندارد. آنها را شکنجه می‌کند. بیانیه می‌افزاید: "فراکسیون حزب سبزها در گوتینگن با همه‌خشمی که از شنیدن خبر جنایت اعدام دوتن از زندانیان سیاسی عضو مجاهدین خلق و اتحادیه کمونیستها و نیز انوشیروان لطفی، عضو رهبری فدائیان (اکثریت) احساس می‌کنیم، به این جنایات اعتراض می‌کند." در ادامه بیانیه، نسبت به سرنوشت صمد اسلامی ابراز نگرانی شده است.

سفیر جمهوری اسلامی در بن ناچار شد به نامه فراکسیون حزب سوسیال دمکرات در انجمن شهر گوتینگن پاسخ دهد. در این نامه، مهدی اهری مصطفوی سفیر خمینی ادعا کرده است که مخالفت با رژیم در ایران جرم محسوب نمی‌شود!

از دیگر گروههایی که در گوتینگن به اعدام رفیق لطفی اعتراض کرده‌اند، می‌توان از حزب کمونیست آلمان، گوتینگن و شورای دانشجویان دانشگاه گوتینگن نام برد.

آرتور لوی، شهردار شهر گوتینگن آلمان فدرال در نامه‌ای به سفیر جمهوری اسلامی در بن به اعدام رفیق انوشیروان لطفی اعتراض کرد. وی خواهان عدم اجرای احکام اعدام و آزادی زندانیان سیاسی در ایران شد. همچنین فراکسیون‌های حزب سوسیال دمکرات و حزب سبزها در انجمن شهر گوتینگن نیز به اعدام رفیق لطفی اعتراض کردند. فراکسیون حزب سوسیال دمکرات در نامه‌ای به سفارت رژیم خمینی که به امضای رئیس فراکسیون و مسئول سازمان حزبی شهر گوتینگن رسیده است، درخواست لغو احکام اعدام و آزادی زندانیان سیاسی تاکید ورزیده است.

فراکسیون حزب سبزها در یک بیانیه مطبوعاتی می‌نویسد: "ما به این همدت کرده‌ایم که هر روز از قتل انسانها خبر بدهند، در اسرائیل، آفریقای جنوبی، آمریکای لاتین و در مجموع، در شماری باور نکردنی از کشورهای جهان... هر روز که می‌گذرد، بسیاری از مردم سریع‌تر از اخبار اینچینی می‌گذرند. درست از همین رو بسیار مهم است که پیوسته به چنین مواردی اشاره کنیم، نامها را به زبان آوریم،

رژیم ضد خلقی خمینی در تلاش است تا هرگونه شکل مخالفت را با سرکوب پاسخ گوید این رژیم تمامی فرزندان خلق ایران را که برای صلح و آزادی می‌رزمند به مرگ محکوم می‌کند... در این لحظه نیزه مرگ رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی رفقا رحیم اسدالمی و صمد اسلامی را نشانه گرفته است. مانمی توانیم در مقابل این همه جنایت آرام بمانیم. ما رژیم ارتجاعی خمینی را محکوم می‌کنیم."

پیام فدراسیون جوانان سوسیالیست ایتالیا قدر اسبون فرار را به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) -

تاکید می‌کند که تنها اصول آزادیخواهانه و غیرمذهبی می‌توانند حکومتی را که به آزادی و صلح اجتماعی احترام می‌نهد، تضمین کند.

واحدهای حزب کمونیست ایتالیا در استان پولیا و منطقه باری، دمکراسی پرولتاریا - منطقه باری و استان پولیا، حزب سوسیالیست ایتالیا - منطقه باری و استان پولیا، جوانان کمونیست ایتالیا - منطقه باری و استان پولیا و سندیکای عمومی کار ایتالیا - استان پولیا با امضای متنی که بخش‌هایی از آن در زیر می‌آید، خشم و انزجار خود را از اقدام جنایتکارانه اعدام رفیق انوشیروان لطفی بیان داشتند. در قسمتی از این متن چنین می‌خوانیم:

فدراسیون جوانان سوسیالیست در "فرار از نقض حقوق بشر در ایران را قاطعانه محکوم می‌کند. و ضمن اعلام همبستگی برادرانه با خانواده‌های تمامی قربانیان تعصب و حکومت مطلقه،

آلمان فدرال

آخر: تیرباران لطفی، دشمنی با انسانیت و آزادیخواهی

پرو و هغو بین الملل این شهر با امضای متنی تیرباران فدایی قهرمان انوشیروان لطفی را بشدت محکوم کردند و ضمن تاکید بر این اصل که: "هیچ رژیمی حق ندارد فرزندان مردم را به خاطر مبارزه برای بهروزی خلق تحت فشار قرار دهد" این جنایت جمهوری اسلامی را نشانه دیگری از دشمنی آشکار آن با انسانیت و هرگونه فریاد حق طلبی و آزادیخواهی دانستند.

امضاکنندگان در پایان خواهان اجرای خواسته‌های زیر شده‌اند: "حقوق دمکراتیک مردم ایران رعایت شود،

پیگرد، شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی پایان یابد، زندانیان سیاسی ایران آزاد شوند."

مسئول فدفاشیست‌های آلمان، مسئول "اتحادیه صلح آلمان" (DFU)، نماینده کمیته شهرستان "حزب سبزها"، معاون دبیرکل "اتحادیه سندیکایی آلمان" (DGB)، یکی از مسئولین "حزب سوسیال دمکرات آلمان" (SPD)، پروفیسور دکتر ماتياس گاتسه‌مایا از "لیست صلح" پروفیسور هانیس پیشینگ استاد زبان آلمانی دانشگاه RWTH، مسئول "لیگ زنان آلمان"، مسئول روابط خارجی کلیسای پروتستان، در آخر، نمایندگان حزب کمونیست سوریه و حزب مترقی زحمتکشان قبرس (اکل) در آلمان فدرال و همچنین نمایندگان از کمیته شبلی، کمیته اقدام برای نیکارگونه، گواتمالا و دانشجویان

لطفی سمبل مبارزه بود

آزاد شد، حدود ۵ سال بود که لطفی در زندانهای رژیم خمینی به زنجیر کشیده شده بود.

روزنامه "عصر ما" ارگان حزب کمونیست آلمان در شماره ۴۹ ژوئن خود با درج مقاله‌ای با عنوان "در ایران خطر قتل‌های بیشتر وجود دارد" به معرفی شخصیت انقلابی رفیق انوشیروان لطفی پرداخت. در این مقاله آمده است رژیم خمینی در هراس از گسترش اعتراض خلق در شرایط تشدید بحران، دست به جنایت اخیر خود زده است.

روزنامه اومانیته ارگان حزب کمونیست فرانسه در تاریخ اول ژوئن خبر زیر را منتشر ساخت:

انوشیروان لطفی یکی از رهبران سازمان فدائیان خلق ایران جمعه گذشته به همراه دو تن از دیگر مبارزینی که یکی از آنها وابسته به اتحادیه کمونیست‌ها و دیگری وابسته به سازمان مجاهدین خلق بودند، اعدام شدند. لطفی سمبل مبارزه علیه دیکتاتوری شاه بود. وی که از زندانیان دوران شاه بود و شکنجه‌های سختی را متحمل شده بود، پس از سقوط رژیم سلطنتی

ح. ک. ا. ش. صادق است

بحث درباره مسائل ملی

عبدالرحمان وزیرف، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان در نطق خود اظهار داشت آنچه به اسم مسئله تره باغ شناخته شده است، ریشه در سالهای رکود دارد. وی افزود در سهای این مسئله باید به دقت ارزیابی شود. وزیرف گفت: "بگذارید آشکار بگویم: موقعیت در منطقه خودمختار تره باغ، به لحاظ اجتماعی خطرناک است. مرتب تلاش می شود دو خلق مارا علیه یکدیگر بشورانند. خواست تغییر موقعیت ملی و ارضی که مقایر با روند دمکراتیزه کردن در کشور ماست، وقایع جنایتکارانه و فاجعه بار در سو مگائیت که از سوی همه شهروندان شوروی محکوم شد، این همه، موقعیت را در برخی از مناطق آذربایجان و ارمنستان بی ثبات کرد. ترک ارمنستان از سوی هزاران تن از آذری ها، اوضاع را حادثر کرد. کم

بحثی زنده و گاه تند

در فضایی از احساس مسئولیت

گوشه هایی از سخنرانی های کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی

بقیه از صفحه اول

آیار هبران گذشته باید در

سمت های خود باقی بمانند؟

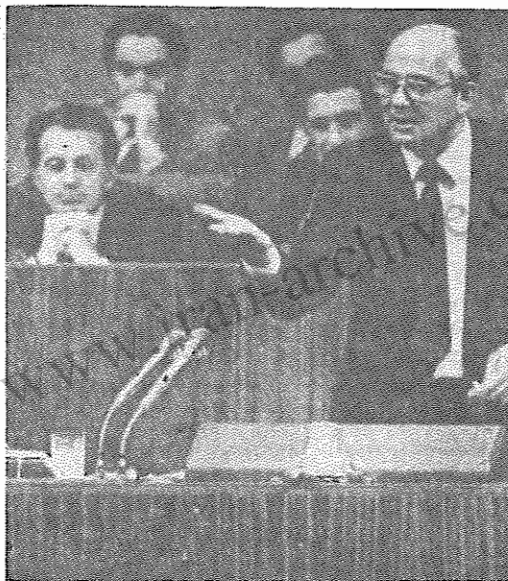
در روز سوم کنفرانس، ولادیمیر ملنیکف دبیر اول کمیته حزبی جمهوری خودمختار کومی، در سخنان خود گفت: "در بحث پیرامون تره های کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. به ما از سوی بسیاری از کمونیست ها و غیر حزبی ها، ماموریت خطیرتری محول شد: هرکس در دوره گذشته فعالانه سیاست رکود را پیش برده است، امروز، در زمان دگرگونی، نباید در ارگانهای مرکزی حزبی و شورایی کار کند. باید برای همه چیز مسئولیت فردی وجود داشته باشد." در اینجا میخائیل گارباچف از سخنران پرسید منظور او چه افراد مشخصی است. ملنیکف پاسخ داد: "منظور من به ویژه رفقا سولومنتسف، گرومیکو، آفاناسیف و آرتف است."

در روز چهارم، موریس یلتسین کاندید سابق دفتر سیاسی و دبیر اول پیشین کمیته حزبی مسکو که هم اکنون معاون اول صدر کمیته دولتی ساختمان ا. ج. ش. س است، به تقاضای نمایندگان به سخنرانی پرداخت. وی از کنفرانس خواهان "اعاده حیثیت سیاسی" از شخص خود شد. وی گفت: "می دانید که سخنرانی من در پلنوم اکتبر ۱۹۸۷ کمیته مرکزی در یک مصوبه پلنوم خطا ارزیابی شد. اما من تنها خطای خود را در این می دانم که در موقعی نادرست، در آستانه هفتادمین سالگرد انقلاب اکتبر، سخن گفتم."

سخنان یلتسین با انتقاد سخت چند سخنران روبرو شد. یگور لیگچف، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی، در جوابیه خود اظهار داشت نطق یلتسین علیه رفقا بسیاری نتیجه گیری های معقول او حاکی از آن است که وی از خطاهای خود و از انتقادات اصولی رفقای خود، نتایج لازم را نگرفته است. وی یلتسین را مخاطب قرارداد و رشته ای از اقدامات نادرست و خطاهای او را در دوره مسئولیتش به عنوان دبیر اول کمیته حزبی شهر مسکو به وی یادآور شد. لیگچف تاکید کرد دلیلی وجود ندارد که فرمولبندی مصوبه پلنوم

اکتبر کمیته مرکزی در قضاوت درباره یلتسین تغییر کند.

لیگچف که چند بار از سوی یلتسین مورد حمله قرار گرفته بود، سپس به تفضیل به موضع



نیستند ارمنی هایی هم که آذربایجان را ترک می کنند. تحریک گران از این اوضاع فعالانه سو استفاده می کنند."

وزیرف افزود خطر یک واکنش زنجیره ای وجود دارد. وی گفت رویدادهای اخیر ناراضی های انباشته شده در طول سالها را آشکار کرد. این ناراضی های از شرایط کار و زندگی و اعتراض به بیعدالتی اجتماعی، هم در میان آذری ها و هم در میان ارمنی ها وجود دارد. وزیرف اظهار داشت با این حال در میتینگ ها و تظاهرات، متأسفانه نه تنها کسانی که خواهان پاسخی به مسائل دردناکند، بلکه همچنین کسانی شرکت می کنند که از سوی نیروهای متنفذ مخالف نوسازی حمایت می شوند. از این جمله باید از خانواده های فاسد و دلالان بازار سیاه که با عناصر بزهار متحد شده اند نام برد. اینان تلاش دارند مردم را به افراطی گری های ملی بکشانند. وزیرف خواهان تشکیل یک ارگان اجرایی در قالب یک وزارتخانه یا کمیته دولتی برای رسیدگی به مسائل ملی شد.

بقیه در صفحه ۱۰

سیاسی شخص خود پرداخت. لیگچف تاکید کرد نوسازی، هدف کل زندگی او بوده است. وی در رابطه با انتقاد یلتسین و برخی دیگر از نمایندگان از چند عضو دفتر سیاسی، موقعیت متشنجی را که در پلنوم مارس ۱۹۸۵ (پس از درگذشت چرنکو - "اکثریت") و در هنگام انتخاب دبیر کل جدید ایجاد شده بود، یادآوری کرد و افزود: "دقیقا به هلت وجود اعضای فعلی دفتر سیاسی، چبریکف، سولومنتسف و گرومیکو، در آن زمان تصمیم درست اتخاذ شد."

لیگچف درباره شایعات پیرامون اختلاف نظرهای ادعایی در دفتر سیاسی گفت رهبری حزب یکپارچه و منسجم است و در آن، نه محافظه کار وجود دارد و نه فرمیست. لیگچف خاطر نشان کرد که دفتر سیاسی وی را مسئول کارهای جاری در دبیرخانه کمیته مرکزی کرده است. او گفت: "کارهای بسیاری وجود دارد، فشار بیش از حد است، رهبری با بکارگیری بیشترین نیروهای خود کار می کند. این امر به ویژه در مورد دبیر کل کمیته مرکزی

قطعنامه‌های نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب کمونیست اتحاد شوروی

کنفرانس سراسری نوزدهم حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح.ک.ا.ش) که از ۲۸ ژوئن تا اول ژوئیه ۱۹۸۸ در مسکو برگزار شد، شش قطعنامه درباره موضوعات مختلف تصویب کرد. در این شماره، خلاصه این قطعنامه‌ها را به نقل از خبرگزاری شوروی تاس درج می‌کنیم.

از قطعنامه درباره دمکراتیزه کردن جامعه شوروی

در قطعنامه "درباره دمکراتیزه کردن جامعه شوروی و اصلاح نظام سیاسی" هدف این اصلاحات چنین بیان شده است: "گشودن حداکثر عرصه برای خودگردانی جامعه"، "تنظیم مکانیزم پی بردن دمکراتیک به منافع و اراده همه طبقات و گروه‌های اجتماعی"، "تامین شرایط ادامه رشد آزاد هر ملت و قوم" و "تکمیل بنیادین قانونیت و نظام حقوقی سوسیالیستی، تا امکان انحصارطلبی و سوء استفاده از قدرت متنفذی شود".

در قطعنامه به ضرورت جدایی روشن مسئولیت‌های ارگانه‌های حزبی و دولتی و ایجاد مکانیزم موثری اشاره می‌شود که "نوسازی به موقع نظام سیاسی را مطابق با شرایط متحول در داخل و خارج از کشور تضمین کند". قطعنامه می‌افزاید جهت تعیین‌کننده اصلاحات، تامین قدرت کامل شوراهای نمایندگان خلق به مثابه "پایه دولت و خودگردانی سوسیالیستی" است. در قطعنامه بر ضرورت تجدید سازماندهی کار شوراهای تاکید می‌شود. در قطعنامه آمده است اگر معمولاً دبیران اول کمیته‌های متناظر حزبی برای سمت صدر شوراهای پیشنهاد شوند، این امر به افزایش نقش ارگانه‌های نمایندگی کمک می‌کند.

در قطعنامه تاکید شده است اعضای کمیته‌های اجرایی شوراهای محلی و نیز قضات، داوران و دادستانان "نمی‌توانند جزو نمایندگان شورای مربوطه باشند". این اصل باید به اعضای دولت، مسئولان ارگانه‌های مرکزی رهبری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (ا.ج.ش.س)، جمهوری‌های متحد و جمهوری‌های خودمختار گسترش یابد. قطعنامه، محدود کردن زمانی احراز سمت‌های انتخابی به دو دوره را "حکم مهم دمکراتیک" می‌نامد.

در این سند، به فرارسیدن زمان برای نوسازی اساسی نظام انتخابات در ا.ج.ش.س اشاره می‌شود. همچنین ضرورت بازسازی ارگانه‌های قدرت دولتی مورد اشاره قرار می‌گیرد. پیشنهاد می‌شود که کنگره نمایندگان خلق ا.ج.ش.س به عالی‌ترین ارگان قدرت تبدیل شود. این کنگره باید یک شورای عالی نسبتاً کوچک و متشکل از دو مجلس را تشکیل دهد.

در قطعنامه همچنین به ضرورت تغییرات در

دستگاه حزب اشاره و تاکید می‌شود ساختار این دستگاه باید بطور کامل در خدمت تقویت رهبری سیاسی باشد. دستگاه حزب باید در اسرع وقت تجدید سازماندهی شود. باید آن را کوچک‌تر و بازده کارش را بیشتر کرد.

از قطعنامه درباره فرم حقوقی

در قطعنامه "درباره فرم حقوقی" آمده است: "در سالهای آینده باید در کشور یک فرم همه‌جانبه حقوقی تحقق یابد". قطعنامه می‌افزاید بهبود فعالیت قانونگذاری عالی‌ترین ارگانه‌های قدرت ا.ج.ش.س اهمیت زیادی می‌یابد. این بهبود باید متوجه تکمیل نظام مبتنی بر قانون اساسی در کشور و اجرای پیگیر این اصل باشد که هر چه قانون منع نمی‌کند، مجاز است.

کنفرانس چنین اظهار کرد که بازبینی اساسی، تدوین و نظام یافته کردن قوانین، بخش اجتناب‌ناپذیر فرم حقوقی را تشکیل می‌دهد. با توجه به شرایط جدید مدیریت اقتصادی، انسانی کردن و دمکراتیزه کردن زندگی اجتماعی و تقویت پیشگیری از نقض قوانین، باید تغییراتی در قوانین صورت پذیرد. کنفرانس از ایده تاسیس کمیته نظارت بر اجرای قانون اساسی به منظور تضمین مطابقت اکید قوانین و تصمیمات دولت با موازین قانون اساسی ا.ج.ش.س پشتیبانی می‌کند.

از قطعنامه درباره بوروکراتیسم

در قطعنامه "درباره مبارزه با بوروکراتیسم" آمده است. ح.ک.ا.ش وظیفه خود می‌داند در کشور فضایی ایجاد کند که در آن هر شهروند باید مطمئن باشد که با کمک سازمانهای دولتی و اجتماعی می‌تواند بر بوروکراتها فائق آید.

در این قطعنامه تاکید می‌شود که تدابیر در عرصه نوسازی اقتصاد و سایر عرصه‌های زندگی در مواردی نه اندک بر اثر اقدامات بوروکراتیک وزارتخانه‌ها و ارگانه‌های اقتصادی و نیز انفعال بسیاری از سازمانهای حزبی و دولتی متوقف می‌ماند. هنوز هم خودسری، نقض قوانین، سرکوب انتقاد و نیز ابتکار زحمتکشان، از میان رفته است. قطعنامه، کمیونستها را فرامی‌خواند از شرایط ایجاد شده بر اثر پرسترویکا (نوسازی)، برای مبارزه با بوروکراتیسم استفاده کنند.

در سند، به این ضرورت اشاره می‌شود که درجای موسسات دولتی و اجتماعی و کمیته‌های حزبی به روی زحمتکشان گشوده و هر گونه تعطل و فرمالیسم در کار کرد دستگاه رهبری محو شود. باید خودداری از رسیدگی به درخواستهای مستدل و مشروع زحمتکشان را تخلف سنگین اداری ارزیابی کرد، تخلفی که باید هواقب سنگین تا حد اخراج بدنبال داشته باشد.

کنفرانس از سازمانهای حزبی خواست بوروکراتیسم را در کار خود ریشه‌کن کنند. پیش‌بینی شده است که اصل پاسخگویی همه کمونیست‌های دارای مسئولیت‌های رهبری به سازمانهای پایه، تحقق یابد در قطعنامه آمده است هیچ سازمان حزبی و هیچ مسئولی نباید از کنترل معاف باشد.

از قطعنامه درباره هلنیت

نوزدهمین کنفرانس سراسری ح.ک.ا.ش ادامه گسترش هلنیت را "از مهمترین وظایف سیاسی ارزیابی کرد.

در قطعنامه "درباره هلنیت" بر نقش هلنیت به عنوان شرط اجتناب‌ناپذیر بر خودگردانی سوسیالیستی خلق تاکید شده و آمده است گسترش هلنیت "یک پیش‌شرط اجتناب‌ناپذیر بسط و توسعه‌های دمکراتیزه کردن همه عرصه‌های زندگی عمومی و نوسازی سوسیالیسم" است.

کنفرانس بر این نظر است که ح.ک.ا.ش باید سرمشقی از ابتکار در گسترش هلنیت ارائه دهد. از جمله، پیش‌بینی شده است که مردم بطور همه‌جانبه در جریان کار ارگانه‌های رهبری ح.ک.ا.ش و سازمانهای محلی قرار گیرند، طرح مهمترین مصوبات منتشر و بررسی شود و آزادی شرکت اعضای ارگانه‌های منتخب حزب در جلسات کمیته‌های حزبی موظف به گزارش‌دهی به این ارگانه‌های منتخب، از جمله دفتر سیاسی کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش و نیز حق دسترسی به اسناد کمیته حزبی و دستگاه آن، تامین گردد.

یک بند قطعنامه به رسانه‌های گروهی اختصاص یافته است. کنفرانس به نقش مهم رسانه‌های گروهی در زندگی اجتماعی کشور اشاره می‌کند و "جلوگیری از انتشار مقالات انتقادی مطبوعات و نیز منتشر کردن اطلاعات غیرهینی مقایر با حیثیت و حرمت شهروندی را غیر مجاز میداند".

در سند آمده است: "هلنیت و انتقاد نباید به زمینه‌ای برای فراکسیون‌سازی، هوام‌فریبی و نیز خودخواهی ملی، منطقه‌ای یا گروهی تبدیل شود".

کنفرانس خواهان ایجاد تضمین‌های حقوقی برای هلنیت شد، از جمله تثبیت حق داشتن اطلاعات در قانون اساسی به منظور مطلع بودن شهروندان از مسائل کشور و تدوین قوانینی درباره تحقق عملی اصول هلنیت. سوءاستفاده از هلنیت همراه با "لطمه وارد آوردن به منافع دولت شوروی، جامعه و حقوق افراد و نیز تبلیغ جنگ و قهر، تژادپرستی و ناسازگاری ملی و مذهبی" غیر مجاز شمرده شده است. در قطعنامه همچنین آمده است ترویج قهر و پورنوگرافی‌های کماکان باید ممنوع باشد.

از قطعنامه

درباره وظایف نوسازی

در قطعنامه "درباره روند تحقق مصوبات بیست و هفتمین کنگره ح.ک.ا.ش و وظایف تعمیق نوسازی" آمده است: "مشی استراتژیک حزب برای نوسازی همه‌جانبه و انقلابی جامعه شوروی و شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی و بتیبه در صفحه ۱۰

قطعنامه‌های...

بته از صفحه ۹

اقتصادی آن، که در پلنوم آوریل ۱۹۸۵ کمیته مرکزی و کنگره ۲۷ تدوین شد، بدون وقفه تحقق می‌یابد.

کنفرانس حزب به این نتیجه رسید که "روندهای نوسازی، همراه با تناقض، پیچیدگی و دشواری جریان دارد و با مبارزه میان کهنه و نو توام است، با آنکه گرایشهای مثبت، آشکار شده و نخستین نتایج، محسوس است، هنوز چرخشی بنیادین در تحول اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ نداده است." در قطعنامه آمده است علت کندی تحقق دگرگونی‌ها تنها میراث ناگوار گذشته نیست، بلکه "بسیاری از پدیده‌ها ریشه در کمبودهای کار فعلی ارگانهای حزبی، دولتی و اقتصادی و نیز سازمانهای اجتماعی دارد."

قطعنامه می‌افزاید: "کنفرانس بر این نظر است که اصلاح بنیادین نظام سیاسی، امروز در صدر دستور کار است. دقیقاً همین فرم باید امکانات نوینی در تمهیق دگرگونی در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی بگشاید و تضمین‌هایی برای بازگشت ناپذیری آن فراهم آورد."

در قطعنامه آمده است مهم‌ترین وظیفه در عرصه اجتماعی-اقتصادی، شتاب بخشیدن به حل حادترین مسائل رفاه مردم است. باید قبل از هر چیز، بهبودی عمده در توزیع مواد غذایی میان مردم حاصل شود. کوتاه‌ترین راه به سوی حل این مساله بسیار بزرگ اجتماعی-اقتصادی، در استفاده همه‌جانبه از پتانسیل تعاونی‌های کشاورزی و مزارع دولتی است. همه تلاشها برای فرمادهای به این تعاونی‌ها و مزارع باید فوراً متوقف شود.

قطعنامه به ضرورت تحقق بدون قید و شرط

بر نامه‌ها در عرصه بهداشت و محیط‌زیست و نیز بهبود وضعیت اکولوژیک در کشور اشاره می‌کند. در قطعنامه آمده است دگرگونی انقلابی، بدون فعال شدن همه‌جانبه نیروی روشنفکر و متفکر جامعه، پیشرفت علم و فن، افزایش سهم علمی-فنی دانشمندان و مهندسان در اقتصاد، بدون سطحی‌امروزی در آموزش و بدون ارتقای فرهنگ عمومی و سیاسی خلق، ممکن نیست. در این رابطه کنفرانس خواهان ادامه دمکراتیزه کردن عرصه فرهنگ و علوم شد.

کنفرانس، در قطعنامه خود پیشنهادهای مندرج در گزارش میخائیل گارباجف درباره فرم نظام سیاسی را تایید کرد و خواهان تحقق عملی آن شد. در قطعنامه آمده است: "تفکیک مسئولیت‌های ارگانهای حزبی و دولتی و احیای قدرت کامل شوراهای پایین به بالاداری اهمیت کلیدی است."

سند می‌افزاید: "ح.ک.ا.ش در آینده هرگز اجازه تکرار آنچه را که در دوره‌های کیش شخصیت و رکود روی داد، به انحراف همیتی در جامعه سوسیالیستی انجامید، رشد آن راه مدت دهها سال متوقف کرد و به تلفات عظیم انسانی و نیز لطمات بی‌شمار معنوی و فکری منجر شد، نخواهد داد."

از قطعنامه

درباره مناسبات میان ملیت‌ها

در قطعنامه "درباره مناسبات میان ملیت‌ها" اشاره شده است که افزایش قانونمند خودآگاهی ملی در جریان است. در همین حال، پویایی ویژه مرحله آغازین تشکیل دولت چندین ملیتی شوراها همدتاز میان رفته و بر اثر انحراف از اصول لنینی سیاست ملیت‌ها و نیز نقض قانونیت در دوره کیش شخصیت و رکود

ایدئولوژیک و روانی لطمه دید. بسیاری از مسائل حاد ناشی از روند رشد ملت‌ها و اقوام به‌موقع حل نشد. این امر به نارضایتی در جامعه انجامید که تا آستانه گرفتن خصلت درگیری به خود، پیش رفت. کماکان مظاهر خودخواهی و زیاده‌خواهی ملی و نیز ایدئولوژی کوتاه‌بینانه و تنگ‌نظری محلی، قابل مشاهده است. پدیده‌های منفی که در طول دهها سال برهم انباشته شده است، مدتها نادیده گرفته شد.

دگرگونی، دمکراتیزه کردن و هلنیت، این پدیده‌ها را آشکار کرد و در همین حال شرایط ضروری برای فلبه دمکراتیک بر آنها را ایجاد نمود. حزب، رشد استقلال، گسترش حقوق جمهوری‌های متحده و مناطق خودمختار را در پیوند ناگسستنی با مسئولیت تحکیم و پیشرفت دولت چندین ملیتی می‌داند.

قطعنامه می‌افزاید: "حزب یکی از وظایف محوری را این می‌داند که شرایط برای استقلال گسترده مناطق ایجاد شود و چنان اشکالی از همکاری تحقق یابد که در آن هر جمهوری منافع خود را در بهبود نتایج نهایی فعالیت اقتصادی خود به مثابه پایه رفاه خود، افزایش ثروت عمومی و قدرت دولت شوروی ببیند."

کنفرانس به‌منظور هماهنگی منافع ملی، به‌ویژه برای افزایش نقش شورای ملیت‌های شورای عالی ا.ج.ش.س و نیز دولت ا.ج.ش.س اهمیت درجه اول قائل شد.

همچنین کنفرانس پیشنهاد کرد امر تشکیل یک ارگان دولتی ویژه برای مسائل ملیت‌ها و مناسبات ملی بررسی شود. کنفرانس از پیشنهاد دفتر سیاسی کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش دایر بر فراخواندن یک پلنوم کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش در رابطه با مسائل مناسبات میان ملیت‌ها حمایت کرد.

دبیر کل ح.ک.ا.ش گفت: "پروسترویکا و فرم نظام سیاسی موقعیتی اصولاً نوین ایجاد می‌کند. نقش رهبری حزب، در شرایط جدید بطور کامل بستگی به اعتباری خواهد داشت که هر بار از نو و با اقدامات مشخص باید به اثبات رسد. بنابراین، برای ما ضرورت حیاتی دارد که حتی کوچکترین پدیده‌های فعالیت در میان اعضای حزب را از میان ببریم. هر کمونیست باید به مبارز راه پروسترویکا، راه نوسازی انقلابی جامعه تبدیل شود."

گارباجف اظهار داشت در پاییز آینده، تغییرات در ساختار دولتی آغاز خواهد شد.

رهبر ح.ک.ا.ش در جمع‌بندی کار کنفرانس گفت: "می‌توان گفت قهرمان اصلی کنفرانس، هلنیت بود، به ویژه به این دلیل که مباحث ما خود نتیجه فضای هلنیت، صداقت و درستکاری است که خود را بر جامعه حاکم می‌کند، اما هم چنین به این دلیل که ما در اینجا در این باره که در آینده چگونه باید هلنیت را پیش ببریم و هلنیت چه مرزهای ممکن و معقولی خواهد داشت، بحث کردیم."

گارباجف در پایان اعلام کرد به یاد قربانیان اقدامات سرکوبگرانه دوره کیش شخصیت در مسکو بنای یادبودی برپا خواهد شد.

آروتیونان اظهار داشت هم‌اکنون کمیته‌های مرکزی دو حزب در آذربایجان و ارمنستان برای حل مسائل همکاری می‌کنند.

سخنان پایانی گارباجف

میخائیل گارباجف به عنوان آخرین سخنران، مهم‌ترین مسئله مطرح شده در کنفرانس را مسئله حزب به عنوان پیشاهنگ سیاسی دانست. وی گفت کنفرانس به این نتیجه رسید که حزب به هیچ وجه نباید جای ارگانهای دولتی را بگیرد و نظر خود را به سندیگاما، کامسومول و سایر سازمانهای اجتماعی، اتحادیه‌های هنرمندان و سایر اتحادیه‌ها تحمیل کند. گارباجف افزود: "آیا این بدان معنی است که نقش رهبری ممکن است تضعیف شود؟ چنین تردیدهایی ابراز شد. به نظر من کنفرانس به این سؤال پاسخی به حد کافی روشن و قانع‌کننده داد: نه! حزب، کماکان حزب حاکم است و همه اهرم‌های لازم برای تحقق نقش رهبری خود را در اختیار دارد، و مهم‌ترین این اهرم‌ها، ۲۰ میلیون کمونیست اند که حزب ما از طریق آنها مشی سیاسی خود را در همه عرصه‌های زندگی جامعه به اجرا می‌گذارد."

بحتی زنده و گاه تند

در فضایی از احساس مسئولیت

بته از صفحه ۸

س.گ. آروتیونان، دبیر اول کمیته مرکزی ارمنستان نیز درباره مسائل ملی سخنانی ایراد کرد. وی گفت اکنون برای ارمنستان یک سیاست اجتماعی نیرومند اهمیت زیادی کسب کرده است. سخنران افزود ارمنستان از لحاظ بسیاری از شاخص‌های رشد اجتماعی، یکی از رده‌های آخر را در سراسر کشور به خود اختصاص داده است.

آروتیونان تلاش برای توضیح موقعیت ایجاد شده صرفاً با ذکر فعالیت گروههای افراطی را نادرست دانست. وی گفت مسئله مناسبات میان ملیت‌ها باید بر مبنایی واقع‌دمکراتیک حل شود.

صهیونیستها همچنان سرکوب می‌کنند، امامقاومت ادامه دارد

در روز شنبه ۲ ژوئیه، در رینین واقع در کرانه غربی رود اردن یک فلسطینی ۱۷ ساله به ضرب گلوله صهیونیست بنا به قتل رسید. در یک اردوگاه آوارگان نیز پنج جوان، دو کودک کوچک فلسطینی هنگامی که علیه بسته شدن مدارس توسط صهیونیست ها در تظاهراتی شرکت کرده بودند، توسط سربازان اسرائیلی مجروح شدند. در همین اردوگاه در اعتراض به مصادره خودسرانه ۱۵۰۰ شناسنامه ساکنان توسط صهیونیستها و نیز اعلام حکومت نظامی، یک اعتصاب عمومی برگزار شد.

در یک اردوگاه دیگر دو کودک ۱۰ ساله به ضرب گلوله‌های لاستیکی مجروح شدند. در بیت اللحم نیز در طول هفته گذشته سربازان اسرائیلی علیه تظاهرات مردم به گاز اشک‌آور و گلوله‌های لاستیکی متوسل گردیدند.

ادامه مبارزات مردم مناطق اشغالی فلسطین علیه رژیم تداوم اقدامات سرکوبگرانه و وحشی‌گریهای صهیونیست‌ها، کماکان حاکی از عزم راسخ مردم این مناطق برای کسب آزادی است. در روز یکشنبه سوم ژوئیه مردم عرب مناطقی قدیمی بیت المقدس علیه عملیات تدارکاتی برای ساختن یک تونل در این شهر که منجر به تخریب خانه‌های بسیاری خواهد شد، دست به تظاهرات زدند. نیروهای اسرائیلی با تارنجم‌های گاز اشک‌آور و گلوله‌های لاستیکی به تظاهرات حمله ور شدند و ۲۶ تن را مجروح کردند. شاهدان عینی گزارش دادند بر کوچه‌های تنگ بیت المقدس که پر از جمعیت است، ابری از گاز اشک‌آور سنگینی می‌کرد. بدنبال این حادثه، فروشگاهها و مدارس به حالت تعطیل درآمدند.

اقدام مجارستان و رومانی برای بهبود روابط

در آستانه سفر کارولی گروش دبیرکل حزب سوسیالیست کارگران مجارستان به رومانی، رهبران دو کشور خواهان حل اختلاف نظر در مناسبات دوجانبه شدند.

نیکلای چائوشسکو رهبر رومانی در تلگرام تبریکی که برای پرونسور برونو فرنچ شتراب صدر جدید شورای ریاست جمهوری مجارستان فرستاد، خواهان آن شد که مناسبات دوجانبه از طریق تلاشهای مشترک و بر پایه برابرقوتی سیاسی، احترام به حاکمیت ملی، عدم مداخله در امور داخلی و سود متقابل، گسترش یابد.

کارولی گروش نخست‌وزیر و دبیرکل حزب کمونیستهای مجارستان نیز ضمن ابراز آمادگی برای سفر به رومانی برای حل اختلافات از موضعگیری اخیر چائوشسکو استقبال کرد.

لازم به یادآوری است که روابط رومانی و مجارستان در پی انتشار خبر تصد دولت رومانی مبنی بر تخلیه نزدیک به ۷ هزار روستاهای مجاری نشین رومانی، رو به تیرگی نهاده بود.

از میان دیگر رویدادها

* اعتصاب غذای ۲۸۵ زندانی سیاسی در زندان آیدین ترکیه با دستیابی زندانیان به برخی از خواسته‌های خود پایان یافت. مقامات زندان با دریافت غذا از خارج زندان توسط زندانیان موافقت کردند و زمان ملاقات و هواخوری را افزایش دادند. بدنبال پیروزی نسبی اعتصاب در آیدین، در زندان "اسکی شهر" ۱۴۷ زندانی با خواسته‌های مشابهی دست به اعتصاب غذا زدند.

* نیهای کارامان، رهبر اتحادیه کارگران ترک در هلند، در آمستردام هدف یک سوءتصد قرار گرفت و کشته شد. کارامان از چهره‌های برجسته تشکل‌های کرارگران ترک در اروپای غربی به شمار می‌رفت. اتحادیه کارگران ترک در هلند اعلام کرد گلوله‌هایی که به سمت کارامان شلیک شد، همه سازمانهای مهاجران دهمکرات ترک رانشانه رفته بود.

* نرماندمی نظامی نیروهای ویتنام از کامبوج خارج شد و نیروهای داوطلب ویتنامی در کامبوج تحت فرماندهی ستاد ارتش کامبوج قرار گرفتند. مردم کامبوج فرماندهای ویتنامی را به گرمی بدرقه کردند.

* در یک حادثه دلخراش ۱۶۶ کارگری سکوی نفتی انگلیس در دریای شمال کشته شدند. بر اثر نشت گاز از یک لوله، انفجار مهیبی این سکوی نفتی را به دو نیم کرد. تنها در حدود ۵۰ کارگر از این حادثه جان سالم بدر بردند و بقیه نجاتگران، کشته شدند. توفانی بودن دریا، باعث شد تا حتی جسد اکثر قربانیان حادثه - تا لحظه تنظیم این خبر پیدا نشود.

در مطبوعات مقالاتی در انتقاد از صاحبان این سکوی نفتی دریای شمال به چاپ رسید. در گذشته نیز فقدان تدابیر ایمنی در سکوهای نفتی دریای شمال طی حوادث متعددی قربانیان زیادی به همراه داشته است.



یک نظامی صهیونیست رودرو با کودکان فلسطینی

جنايات ضد انقلابيون افغانی

در روز جمعه ۱۷ تیرماه بمبی که در درون یک اتومبیل کار گذاشته شده بود، در برابر سینمایی در شهر جلال آباد افغانستان منفجر شد و به کشته و مجروح شدن دهها تن انجامید. این دومین حادثه انفجار بمب در افغانستان ظرف هفته گذشته بود. در روز چهارشنبه ۱۵ تیر نیز یک بمب در کابل منفجر شد که به مرگ هفت نفر و مجروح شدن ۲۷ تن منجر گردید. این بمب که در یک بازار پررفت و آمد مرکز شهر کار گذاشته شده بود، در نخستین ساعات صبح منفجر شد.

اتحاد شوروی با تسلیم یادداشتی به سازمان ملل متحد نگرانی خود را از نقض قرار دادهای ژنو درباره افغانستان ابراز داشت. در این یادداشت آمده است کماکان جنگ افزار و گروههای مسلح از خاک پاکستان به افغانستان رخنه می‌کنند و ستادها و مراکز آموزش آنها همچنان در خاک پاکستان به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

دیه‌گو کوردووز سفیر ویژه سازمان ملل در کابل تایید کرد که در مرحله آمازین تحقق توافقهای ژنو "دشواریهایی" پدید آمده است. وی در همین حال اظهار اطمینان کرد که می‌توان بر این دشواریها غلبه نمود.

دو نفر در ناآرامی‌های ارمنستان کشته شدند

در روز سه‌شنبه پنجم ژوئیه گروهی که با دادن شعارهایی خواهان الحاق منطقه قره‌باغ به جمهوری ارمنستان شوروی بودند، فرودگاه ایروان پایتخت ارمنستان را اشغال کردند و مانع پرواز هواپیماها شدند. برای متفرق کردن اشغال‌کنندگان فرودگاه، نیروهای انتظامی وارد عمل شدند. در نتیجه درگیری میان تظاهرکنندگان و نیروهای انتظامی دو تن کشته شدند و ۳۶ نفر مجروح گردیدند. به گزارش روزنامه ایزوستیا فرودگاه ایروان در روز چهارشنبه کار خود را از سر گرفت، اما در این روز در شماری از موسسات ایروان اعتصاب برپا شد. به گزارش خبرنگار ایزوستیا، در این روز اوضاع ایروان وخیم‌تر شد. به علت توقف وسایل نقلیه عمومی، بسیاری از کارکنان نتوانستند به سرکار بروند.

در منطقه قره‌باغ نیز اعتصابات برپا شد. به گزارش ایزوستیا به ویژه کارخانه‌های بزرگ در روز چهارشنبه تعطیل شدند.

دستگیری زنان و دختران در خیابان فردوسی تهران

جمعه رابه مسئله زنان و مخالفین شئون ارتجاعی رژیم اسلامی اختصاص داد و به تبلیغ و تحریک علیه زنان پرداخت. وی با تشبیه زنان به "محتکران"، "قاچاقچیان" و "توطئه‌گران شیطان" حمله چماقداران حزب اللهی را که دو هفته بعد از آن صورت گرفت، هشدار داد. رفسنجانی زنان تحریک و تهییج علیه زنان را به جایی رساند که از همان بلندگوی تبلیغاتی سراسری رژیم برای تهدید گفت: "اگر این بی بندوباری‌ها ادامه پیدا کند و حزب الله نتوانست تحمل کند و به سراغ شما آمد دیگر از ما گله نکنید، من بارها نصیحت کرده‌ام و برادران حزب اللهی را هم به خویشتن داری دعوت کرده‌ام، اما گویا کسانی که در این شرایط می‌خواهند از پشت خنجر بزنند حرف حساب را درک نمی‌کنند. اینها بدانند که در صورت ادامه این وضع مردم و حزب الله نمی‌تواند بیش از این بی‌بندوباری آنها را تحمل کند."

به دنبال همین تبلیغات و جوسازی، حزب الله به راه افتاد و در خیابانهای شهرستانها و تهران چهره کریه رژیم را به نمایش گذاشت. در تهران روز ۱۵ خرداد دهها زن، دختر و پسر به بهانه "حجاب" دستگیر شدند. مزدوران حتی به لباس دختر بچه چهارساله‌ای نیز معترض بودند. هدهای از دستگیر شدگان روز ۱۵ خرداد، هنوز هم در بازداشت به سر می‌برند و از آتھایی هم که آزاد شدند نغری سه هزار تومان از سوی کمیته انقلاب اسلامی به بهانه جرمه "بدحجابی" اخاذی شد.

مردم تهران روز ۱۵ خرداد شاهد صحنه‌ای از اوباشگریهای مزدوران حزب اللهی علیه زنان بودند. در این روز اعمال سرکوبگرانه رژیم علیه زنان که همچنان ادامه دارد، ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. در تهران ماموران گشت ثارالله و کمیته‌های انقلاب اسلامی عملیات یورش وسیعی را که از پیش تدارک دیده بودند در خیابانهای شلوغ و پررفت و آمد به اجرا گذاردند. اوباشان، طی یورش ضربتی خیابان فردوسی، پاساژهای منطقه و راههای ورودی و خروجی را قرق کرده و همه زنان، دختران و پسرانی را که در محل بودند به بهانه بدحجابی بازداشت کردند و با خود بردند. هدف آن بود که تا حد ممکن رعب و وحشت بیشتری ایجاد شود.

حمله به زنان و دختران در روز ۱۵ خرداد و روزهای قبل از آن اتفاقی نبود. دستگیری و سرکوب زنان یکی از مشخصه‌های ثابت حکومت اسلامی است. حملات خیابانی حزب الله به زنان و دختران به بهانه "بدحجابی" اقدامی است که طی ده سال حکومت رژیم در کنار سایر اعمال بقای ارتجاعی آن در قبال زنان، همه ساله صورت می‌گیرد.

برای یورش‌های تازه به زنان از پیش زمینه چینی و فعالیت شده بود. برای سازماندهی و تحریک حزب اللهی‌ها مقامات بلندپایه، نمایندگان مجلس و از جمله هاشمی رفسنجانی آشکارا تبلیغات کرده و جوسازی کرده بودند. دو هفته پیش از دستگیری گسترده زنان در خیابانهای تهران، هاشمی رفسنجانی بخشی از خطبه‌های نماز

حیدر کوتلو در دادگاه:

من يك کمونیست هستم!

محاکمه انجام می‌گیرد، محاصره کرده بودند تا از برگزاری گردهمایی‌های همبستگی با متهمان جلوگیری کنند. تماشاچیان ترک از شرکت در محاکمه منع شده بودند. تنها ناظران خارجی، خبرنگاران و مترجمان اجازه حضور در دادگاه ریاقتند.

بقیه در صفحه ۶

در روز دوشنبه ۴ ژوئیه محاکمه حیدر کوتلو و نیهات سارگین دبیران کل حزب کمونیست حزب کارگر ترکیه ادامه یافت. دادستان برای کوتلو ۲۷۱ تا ۴۹۷ سال و برای سارگین ۲۷۶ تا ۵۰۴ سال زندان تقاضا کرد.

نیروهای رژیم، ساختمان دادگاه امنیت دولتی را که در آن



ستایش جنایت

قاتل پناهنده ایرانی در ازای پرداخت وجه نقد آزادی شود

خفگی ناشی از فشار دادن گلو تشخیص دادند، دادگاه جنایی آلمان قاتل او را به ۱۷ ماه زندان قابل خرید محکوم کرده است. بدین ترتیب این جنایتکار پلید در ازای پرداخت وجه معینی از زندان آزاد خواهد شد تا جنون ستیز خود با "موسیاهان" را در حادثه دیگری مجدداً به نمایش گذارد.

رای صادره از سوی دادگاه نه تنها زیرا گذاشتن بدیهی‌ترین قوانین قضایی است بلکه در همین حال تبلوری از بی‌اعتنایی کامل مقامات قضایی نسبت به سرنوشت پناهندگان و خطراتی است که از رهگذر تفکر خارجی‌ستیزی زندگی آنان را تهدید می‌کند.

آیا امتناع از مجازات یک جنایتکار، ستایش جنایت نیست؟ رای صادره از سوی دادگاه در عمل تشویق عناصر آلت دست محافل فاشیستی و خارجی‌ستیز به انجام اقدامات مشابه است.

در تاریخ ۲۹ مرداد سال گذشته، سه تن از کارکنان یک فروشگاه مواد غذایی در شهر توپینگن آلمان فدرال، یک پناهنده جوان ایرانی به نام کیومرث جوادی را به اتهام سرقت زیر باران مشت و لگد گرفتند و یکی از آنها در مقابل چشمان حیرت‌زده مشتریان او را با نهایت بی‌رحمی و خشونت به قتل رساندند.

این جنایت آشکار با اندوه، خشم و اعتراض گسترده پناهندگان و شهروندان مترقی آلمانی و خارجی روبرو شد و در پی آن، روز دوشنبه سوم شهریورماه حدود ۶۰۰ تن آلمانی، ایرانی و افرادی از دیگر ملیت‌ها با برگزاری یک تظاهرات در برابر فروشگاه مزبور خواهان محاکمه و مجازات قاتلین جوان پناهنده شدند.

تظاهرکنندگان فریادی زدند گناه جوان مقتول موی سیاه او بود. اکنون پس از گذشت یکسال علیرغم آنکه پزشکان نیز هلت مرگ پناهنده ۲۰ ساله ایرانی را

AKSARIYAT
NO. 215

MONDAY, 11 JUL, 88

حساب بانکی

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

باجمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید